

به نام پروردگاریکتا

**یک صد سال آموزش تاریخ
در نظام دانشگاهی ایران**

از مجموعه پروژه‌های

«طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور»

دکتر علیرضا ملائی توانی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یک صد سال آموزش تاریخ در نظام دانشگاهی ایران

مؤلف: علیرضا ملائی توانی

ناظر طرح: عباس قدیمی قیداری

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

صفحه آرا: جابر شیخ محمدی

طراح جلد: فرزاد جلیلیان

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر اردهال

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

فهرست

۱۱	سخن پژوهشگاه
۱۷	مقدمه

بخش اول: از تأسیس رشته تاریخ تا تعطیلی دانشگاه‌ها

فصل اول: از نهادینه شدن اصلاح آموزشی تا راه‌اندازی رشته تاریخ و جغرافیا	(۱۲۸۵ - ۱۳۱۳)
۳۱	

۳۱	الف) میراث مشروطه برای دانش تاریخ
۳۵	ب) نهادینه شدن گفتمان اصلاح آموزشی
۳۷	ج) نهادسازی‌های آموزشی جدید
۴۱	د) گام‌های نخستین در مسیر آموزش عالی
۴۴	ه) از دارالمعلمین مرکزی تا دانشسرای عالی
۵۰	و) برنامه درسی رشته تاریخ و جغرافیا در دانشسرای عالی
۵۲	ز) آیین‌نامه امتحانات دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی
۵۴	ح) مهارت و اشتغال دانش‌آموختگان تاریخ و جغرافیا در دانشسرای عالی
۵۵	ط) آمار دانش‌آموختگان دانشسرای عالی ۱۳۲۱ - ۱۳۱۳

۵۶	فصل دوم: از تأسیس دانشگاه تهران تا جدائی از رشته جغرافیا (۱۳۴۲ - ۱۳۱۳)
----	--

۵۶	الف) ایده دانشگاه
۵۹	ب) تأسیس دانشگاه تهران
۶۳	ج) ایده دانشگاه در ایران

- ۶۶ (د) تأسیس دانشکده ادبیات ورشته تاریخ و جغرافیا
- ۶۷ (ه) شیوه انتخاب استادان تاریخ دانشگاه تهران
- ۷۲ (و) مقررات آموزشی
- ۷۳ (ز) ارزیابی برنامه درسی رشته تاریخ و جغرافیا
- ۸۰ (ح) بستر سیاسی و آموزش های رسمی
- ۸۳ (ط) فضای تاریخ نگاری ایرانی
- ۸۸ (ی) مرکز مطالعه و تحقیق در تمدن و فرهنگ ایران و خاورمیانه
- ۸۹ (ک) مهارت آموزی در برنامه آموزشی رشته «تاریخ و جغرافیا»
- ۹۳ (ل) آمار دانش آموختگان دانشکده ادبیات ۱۳۲۷ - ۱۳۲۰
- ۹۶ فصل سوم: برنامه آموزشی رشته مستقل تاریخ در سال تحصیلی (۱۳۴۲- ۱۳۵۲)
- ۹۶ (الف) فراهم شدن بسترهای استقلال از جغرافیا
- ۹۹ (ب) رخداد های علمی در بیرون از چارچوب رشته تاریخ
- ۱۰۵ (ج) برنامه درسی رشته تاریخ در سال های تحصیلی ۱۳۴۳ - ۱۳۴۲
- ۱۱۰ (د) ارزیابی نخستین برنامه آموزشی رشته تاریخ پس از استقلال از جغرافیا
- ۱۱۲ (ه) شرایط و دوره تحصیل در رشته تاریخ
- ۱۱۳ فصل چهارم: واپسین برنامه آموزشی تاریخ پیش از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۲
- ۱۱۳ (الف) فضای حاکم بر تاریخ نگاری در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰
- ۱۱۶ (ب) شکل گیری تاریخ اجتماعی
- ۱۱۸ (ج) اندیشه تاریخی و تأثیر فضا های غیر آکادمیک
- ۱۲۲ (د) تغییر برنامه درسی رشته تاریخ در سال تحصیلی ۱۳۵۲
- ۱۲۴ (ه) ارزیابی آخرین برنامه آموزشی پیش از انقلاب
- ۱۲۷ (و) مهارت های آموزشی در برنامه های مصوب سال ۱۳۴۲ و ۱۳۵۲
- ۱۲۹ (ز) نگاهی به تعداد دانشجویان رشته تاریخ
- ۱۳۰ (ح) آمار دانشجویان دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۴۴ - ۱۳۴۳

- فصل پنجم: دوره‌های تحصیلات تکمیلی تاریخ پیش از انقلاب ۱۳۱
- الف) راه‌اندازی دوره کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) ۱۳۱
- ب) شرایط تحصیل در دوره کارشناسی ارشد ۱۳۳
- ج) بازنگری در برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد تاریخ ۱۳۴
- د) ارزیابی برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد ۱۳۸
- ه) دوره دکتری تاریخ و برنامه‌های آموزشی آن ۱۴۰
- و) شرایط تحصیل در دوره دکتری تاریخ ۱۴۳
- ز) پایان‌نامه دکتری ۱۴۶
- ح) بازنگری برنامه درسی دوره دکتری تاریخ در سال تحصیلی ۱۳۴۷-۱۳۴۶ ۱۴۷
- ط) ارزیابی تحلیلی برنامه‌های درسی دوره دکتری تاریخ ۱۴۸
- فصل ششم: روند توسعه رشته تاریخ و تأسیس نهادهای علمی پیش از انقلاب اسلامی ۱۵۱
- الف) روند گسترش گروه‌های تاریخ ۱۵۱
- ب) آشنائی با گروه‌های تاریخ و استادان در سال‌های پیش از انقلاب ۱۵۳
- بخش دوم: آموزش تاریخ از انقلاب فرهنگی تا امروز
- فصل اول: انقلاب فرهنگی و تغییر مبنائی برنامه آموزشی رشته تاریخ ۱۷۷
- الف) انقلاب و تغییر مسیر ۱۷۷
- ب) انقلاب فرهنگی: روشنفکران و غرب ۱۷۸
- ج) جهت‌گیری‌های انقلاب فرهنگی و سرنوشت دانشگاه‌ها ۱۸۰
- د) بحران در تأمین اعضای هیأت علمی ۱۸۹
- ه) مرکز نشر دانشگاهی و جهاد دانشگاهی؛ میدان فعالیت اعضای هیأت علمی در دوره تعطیلی دانشگاه ۱۹۱
- و) انقلاب و چالش‌های رشته تاریخ در ایران ۱۹۳
- ز) جهت‌گیری نخستین برنامه آموزشی دوره کارشناسی تاریخ پس از انقلاب ۱۹۸

- ۲۰۰ (ح) برنامه آموزشی رشته تاریخ ۱۳۶۳-۱۳۷۵
- ۲۰۸ ط) ارزیابی برنامه آموزشی مصوب ستاد انقلاب فرهنگی
- ۲۱۰ ی) جنبه‌های مهارت‌ورزانه و اشتغال‌آفرین برنامه مصوب ۱۳۶۳
- ۲۱۳ فصل دوم: برنامه درسی رشته تاریخ در سال ۱۳۷۵
- ۲۱۳ الف) زمینه‌های بازنگری در برنامه درسی ستاد انقلاب فرهنگی
- ۲۱۷ ب) دومین برنامه آموزشی رشته تاریخ پس از انقلاب
- ۲۲۷ ج) ارزیابی برنامه درسی مصوب ۱۳۷۵
- ۲۳۱ د) مهارت‌ورزی و مسأله‌اشتغال دانش‌آموختگان تاریخ پس از اجرای برنامه دوم
- فصل سوم: تلاش گروه تاریخ دانشگاه تهران برای بازنگری برنامه آموزشی رشته تاریخ
- ۲۳۷
- ۲۳۷ الف) علل ورود دانشگاه تهران به بازنگری برنامه درسی
- ۲۳۹ ب) ساماندهی رشته بر مبنای گرایش‌های چهارگانه
- ۲۴۱ ج) واحدهای درسی گرایش‌های چهارگانه
- ۲۴۷ د) ارزیابی برنامه دانشگاه تهران
- ۲۵۰ فصل چهارم: برنامه‌های آموزشی دوره‌های کارشناسی ارشد تاریخ پس از انقلاب
- ۲۵۰ الف) نخستین برنامه آموزشی دوره‌های تحصیلات تکمیلی تاریخ
- ۲۵۱ ب) تغییر برنامه کارشناسی ارشد و ایجاد گرایش‌های تازه
- ۲۵۲ ج) جدول درس‌های کارشناسی ارشد رشته تاریخ
- ۲۶۲ فصل پنجم: برنامه‌های آموزشی دوره دکتری تاریخ پس از انقلاب
- ۲۶۲ الف) نخستین برنامه آموزشی دوره دکتری تاریخ پس از انقلاب فرهنگی
- ۲۶۵ ب) جدول درس‌های دوره دکتری تاریخ
- ۲۸۰ فصل ششم: روند گسترش رشته تاریخ در مقاطع مختلف تحصیلی
- ۲۸۰ الف) رشد شتابنده رشته تاریخ در دانشگاه‌های کشور

- ۲۸۳ (ب) آشنائی با گروه‌های تاریخ
- ۳۳۸ فصل هفتم: مهمترین نهادهای پژوهشی تاریخ پس از انقلاب
- ۳۳۸ (الف) موسسه‌های تاریخ‌نگاری رسمی انقلاب اسلامی
- ۳۴۹ (ب) مجله‌های تاریخی
- ۳۵۴ (ج) انجمن‌های علمی
- ۳۶۲ (د) پژوهشکده تاریخ اسلام
- ۳۶۳ (ه) انتشارات سمت
- ۳۶۴ (و) مرکز انتشارات دانشگاه پیام نور
- بخش سوم: تنگناهای آموزش تاریخ و ظرفیت‌های مهارت‌افزایی در رشته تاریخ
- ۳۶۶ فصل اول: آزادی‌های مدنی و تجربه تاریخ‌نگاری ایرانی
- ۳۶۶ (الف) آزادی آکادمیک و دفاع از علم و حقیقت
- ۳۷۰ (ب) نگاهی به آزادی اندیشه در فضای دانشگاهی ایران
- ۳۷۷ (ج) تاریخ‌پژوهی و تفکر تاریخی در فضای غیردموکراتیک ایران
- ۳۸۱ (د) هدف‌گذاری‌های کلان برای آموزش تاریخ در ایران
- ۳۹۲ (ه) ارزیابی جهت‌گیری تاریخ‌نگاری ایران پس از تأسیس دانشگاه
- ۳۹۵ فصل دوم: مسئله بیکاری دانش‌آموختگان
- ۳۹۵ طرح مساله
- ۳۹۶ (الف) چشم‌انداز تاریخی به مساله اشتغال دانش‌آموختگان
- ۴۰۳ (ب) توسعه دانشگاه‌های کشور و آموزش رشته تاریخ
- ۴۰۴ (ج) آیا دانشگاه رؤیای کار بهتر و زندگی مرفه‌تر را تحقق می‌بخشد؟
- ۴۱۰ (د) دانشگاه و بازار کار در ایران؛ الزامات اقتصاد جدید
- ۴۱۳ (ه) مشکلات دانش‌آموختگان دانشگاه‌های ایران
- ۴۱۷ (و) دسته‌بندی عوامل بیکاری

فصل سوم: مبانی معرفتی و جهت‌گیری‌های مهارتی در تدوین برنامه‌های آموزشی

۴۲۰ رشته تاریخ

۴۲۱ الف) هدف‌های کلان و سیاست‌گذاری مطلوب در رشته تاریخ

۴۲۸ ب) جهت‌گیری‌های کارکردی رشته تاریخ

۴۲۹ ج) مهارت‌های مبنایی در درون برنامه درسی یا بیرون از آن

۴۳۱ د) مهارت‌های خاص رشته تاریخ و نحوه فعال کردن آن‌ها

۴۳۴ هـ) مخاطره‌ها و فرصت‌های ارتباط آموزش عالی با جامعه و بازار کار

۴۳۸ و) چشم اندازی تاریخی به مهارت‌های تخصصی در رشته تاریخ

۴۴۰ ز) پیوند سه ضلع مهارت‌آفرینی برای مهارت‌آموزان تاریخ

۴۴۳ ح) افزایش شایستگی‌های فردی، شخصیتی و رفتاری دانش‌آموختگان

۴۴۴ ط) تجربه جهانی؛ تشکیل دوره‌های کارآفرینی

فصل چهارم: مهارت‌های پژوهشی؛ روش تحقیق و روش‌شناسی تاریخی

الف) مباحث روش‌شناسانه در برنامه آموزشی دوره کارشناسی تاریخ از آغاز تا

۴۴۷ انقلاب فرهنگی

۴۵۰ ب) آموزش مهارت‌های ادبی به جای روش تحقیق در برنامه دوره کارشناسی

۴۵۲ ج) دوره پس از انقلاب فرهنگی تا امروز

۴۵۵ د) جدول‌های مرتبط با درس‌های پژوهشگری و روش تحقیق

۴۶۰ هـ) جمع‌بندی

۴۶۳ و) نگاهی به آینده

فصل پنجم: روش‌های آموزش تاریخ در ایران

۴۶۵ طرح مساله

الف) ضرورت تفکر درباره تدریس و آموزش تاریخ در ایران

۴۶۷ ب) روش‌های تدریس در نظام دانشگاهی ایران

۴۷۰ ج) آموزش مطلوب در نظام دانشگاهی

۴۷۳

- ۴۷۴ (د) ضرورت حرکت به سوی روش های متنوع تر تدریس؛ دفاع از فهم و یادگیری
۴۷۶ (ه) دفاع از فهم و یادگیری
۴۷۸ (و) چرا روش های سنتی تدریس در ایران تداوم یافته اند؟
۴۸۱ (ز) شیوه های گوناگون آموزش تاریخ
۴۸۹ (ح) عوامل انفعال در یادگیری و حرکت به سوی یادگیری فعال
۴۹۱ (ط) ضرورت آموزش مستمر و بازنگری در شیوه های تدریس
- فصل ششم: تاریخ نگاری نهادها، سازمان ها، موسسه ها، صنایع، و... ظرفیتی تازه
۴۹۴ برای پژوهش های اشتغال آفرین در رشته تاریخ
۴۹۶ (الف) گستردگی موضوعی و ضرورت تاریخ نگای نهادها
۵۰۵ (ب) دشواری های نگارش تاریخ سازمان ها و نهادها
۸۳۵ (پ) اهداف دوره
۸۳۶ (ت) اهداف آموزشی
۸۳۶ (ث) حیطه های آموزشی
۸۳۷ (ج) اهمیت و ضرورت تاسیس رشته تاریخ ایران
۸۳۸ (چ) تعداد واحد و نوع واحدهای درسی
۸۳۸ (ح) نقش و توان مندی دانش آموختگان:
۸۳۹ (خ) شرایط و ضوابط ورود به دوره:
۸۹۳ کتابنامه

سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم پیوسته و مسئله‌محور است که برمبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش گرفتن رهیافت بومی و کاربردی سازی علوم انسانی شکل گرفته و بر پایه خرد جمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان بر پایه این منطق شکل گرفت که برای بومی سازی و کاربردی سازی علوم انسانی لازم است سه مقوله مهم به صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همه طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

۱. مبانی و ریشه‌های علوم انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه مبانی)

۲. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران

نظر افکنده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)

۳. شیوه‌ها و مظاهر کاریست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعه ایران در

چرخه ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کاریست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعه امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانه

بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملی و به صورت شبکه برنامه محصول گرا و هم‌افزایانه شکل یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکری و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشد تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعین نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژه هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکه نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی-پژوهشی، علمی-تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به صورت کتاب آماده نشر سازد.

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانه توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصه سیاست‌گذاری هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسه پژوهشی را به جرگه نسل چهارم نهاد‌های علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم‌انداز و مأموریت روشن

پژوهشگاه، مندرج در برنامه توسعه راهبردی آن، به شمار می‌آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامه توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب‌های مجموعه طرح‌های اعتلای علوم انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح‌ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت‌ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان‌که طی این سال‌ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالنده تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانۀ علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقد متون دانشگاهی و رشد فزاینده تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل‌نامه‌های با کیفیت پژوهشی، برنده شدن سه سال پیاپی در جشنواره نقد سال و برگزیده شدن مکرر در جشنواره بین‌المللی فارابی و ده‌ها جشنواره ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله‌ای پرتال در رده‌بندی جهانی الکسا، تأسیس قطب علمی، ارائه نظریه علوم انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیر فعالیت‌های حوزه ترویجی سازی علم و تحقق شبکه نخبگانی سه‌هزار نفره متشکل از استادان صاحب نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت سازی و ارتقای توانمندی به شمار می‌آید.

بدیهی است با همه مزیت‌های این مجموعه طرح‌ها و آثار، بخش‌هایی از این کتاب‌ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی‌های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه‌وری بیشترین آثار در چاپ‌های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق تعالی و ابراز مسرت از پی‌جویی دغدغه استاد زنده‌یاد دکتر صادق آیینه‌وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر

«اتصال به ریشه انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنای سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک سو و اهتمام همه همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیته علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانه طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیه محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی و کارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به نظر می‌رسد سپاسگزار همه آنان باشیم؛ به ویژه جناب آقای دکتر سید محمد رضا امیری طهرانی‌زاده، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی‌زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین‌زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسینی‌فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق‌شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سید محمد رحیم ربانی‌زاده، جناب آقای دکتر سید سجاد علم‌الهدی، جناب آقای دکتر سید محسن علوی‌پور، جناب آقای محمد علی مینایی، جناب آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همه همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مدرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخنده پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم انسانی به شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور

مقدمه

جامعه ایران طی یکصد و پنجاه سال گذشته در مواجهه مستقیم با تمدن غرب، در میدان‌های گوناگون فکری و اجتماعی به کُنشگری و تکاپو برخاسته است. یکی از این کُنش‌های دشوار در میدان اخذ دانش‌ها و آموزش‌های نوین رخ داد که به رویارویی نظم‌های دانشی کهن و نوین انجامید. در قلمرو علوم انسانی این کشاکش دیرتر آغاز شد و در قیاس با علوم تجربی، مهندسی، پزشکی و کشاورزی پیامدهای متفاوت‌تری به بار آورد، زیرا حوزه‌های علمیه به عنوان پرچم‌دار معارف انسانی قدیم هنوز فعال بودند و به تربیت دانش‌آموختگان و تدوین آثار علمی می‌پرداختند ولی در قلمرو علوم دقیقه تقریباً عرصه خالی بود. از همین‌رو، پژوهش و تأمل درباره تاریخ علوم انسانی به عنوان بخشی از کُنش فکری و علمی نخبگان ایرانی در برابر مدرنیته، ضرورتی گریزناپذیر است که به فهم بهتر تاریخ و فرهنگ این کشور می‌انجامد. البته تلاش‌های جسته‌گریخته‌ای که تا کنون برای نگارش تاریخ رشته‌های علوم انسانی صورت گرفته، چون مبتنی بر مساله‌های تاریخی ما نبوده، نتوانسته است پاسخ‌گوی پرسش‌های امروز ما باشد. اکنون برای درک ظرفیت‌ها و توانایی‌ها و نیز کاستی‌ها و نارسائی‌های علوم انسانی ایران باید به این امر اهتمام کرد، زیرا تنها با تأمل نقادانه در این علوم است که این دانش‌ها به بلوغ می‌رسند.

بسط علوم انسانی جدید در ایران یکی از نشانه‌های ورود ما به دوره معاصر است که در یک گُشن پُرتنش تاریخی صورت گرفت. مساله از آن جا آغاز شد که علوم انسانی جدید نه از درون دانش‌ها و نهادهای علمی پیشین (حوزه‌های علمیه) برآمد و نه در پیوند با آن‌ها قرار گرفت. از آنجا که حوزه‌های علمیه با چشم فرو بستن به روی دانش‌های جدید، راه خود را در حصار سنت می‌پیموندند، این علوم قدیم و جدید نه قادر به حذف یکدیگر بودند و نه هضم یکدیگر. به همین سبب، علوم انسانی جدید جایگزین دانش‌های سنتی و حوزوی نشد بلکه به عنوان یک خط موازی و غالباً ناسازگار با آن‌ها - نه انباشتی و نه متقاطع - رشد یافت. آنچه مناسبات این دو نوع دانش را پیچیده و بغرنج ساخت وقوع انقلاب اسلامی و به قدرت رسیدن دانش‌آموختگان نهادهای علوم دینی بود که ناسازگاری‌های پنهان و گذشته نمایندگان و نهادهای قدیم و جدید را به رویارویی آشکار کشاند و از درون آن گفتمان‌هایی چون اسلامی کردن دانشگاه‌ها، علوم انسانی اسلامی، وحدت حوزه و دانشگاه و ... شکل گرفت. این رویدادها نه تنها وضعیت کنونی و آینده این دانش‌ها را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است که حتی ممکن است سیمای گذشته این دانش‌ها را از نظر خوانش‌های ناروایی که از تاریخ آن‌ها صورت می‌گیرد، مخدوش کند.

بنابراین، اندیشیدن درباره تاریخ و کارنامه رشته‌های علوم انسانی از اهمیتی دوچندان برخوردار است. این اثر قصد دارد فارغ از فضا سازی‌های ایدئولوژیک ارباب قدرت، روایتی تازه از تاریخ «رشته تاریخ» ارائه دهد. هرچند تأثیر پایدار ارباب قدرت در تأسیس و تداوم رشته‌های دانشگاهی، هرگونه روایت‌پردازی مستقل را دشوار و پرهزینه می‌کند و طرح هر روایتی به واسطه پیوستگی «دانش و قدرت» خود به روایت برساخته جدیدی منجر خواهد شد که حاوی عناصری از فرهنگ و مناسبات قدرت است اما به تعبیر مولانا: آب

دریا را اگر نتوان کشید / هم به قدر تشنگی باید چشید. تا شاید صاحبان اندیشه را به تفکر و نقادی برانگیزد.

نکته تأمل برانگیز این است که در تمدن ایرانی پیش و پس از اسلام، تاریخ به عنوان یک رشته آموزشی مستقل وجود نداشت. تاریخ نگاران ایرانی بیشتر در درون نظام دیوانی و به صورت تجربی این فن را فرامی گرفتند و تجربه های خود را نسل اندر نسل منتقل می کردند. بنابراین، حوزه های علمیه تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نه هرگز دانش تاریخ را به عنوان یک علم به رسمیت می شناختند و نه آن را آموزش می دادند تا ادعای هموردی با نظام آموزش تاریخ در دانشگاه ها را داشته باشد. اما با پیروزی انقلاب و تبدیل حوزه های علمیه به یکی از پایگاه های اصلی قدرت، ورق برگشت و انبوهی از حوزویان به تاریخ ورزی پرداختند و از همین زمان، ناهمسازی ها آغاز شد.^۱

واقعیت این است که نه دانش ها و معارف انسانی سنتی و نه علوم انسانی مدرن ایران هیچ یک قادر نبودند شناختی عمیق، واقع بینانه و تحلیلی از وضعیت جامعه ایران ارائه کنند، زیرا مساله های تاریخی ایران در کانون مطالعات هیچ یک قرار نداشت. از همین رو، کاوش درباره علل این ناکامی ها خود موضوعی اندیشیدنی است.

این کتاب قصد ندارد به سرگذشت آموزش تاریخ در ایران پیشامدرن پردازد بلکه می کوشد با نگاهی گذرا به روند ورود و شکل گیری نهادهای آموزشی نوین، به ارزیابی کارکرد رشته تاریخ در نظام دانشگاهی ایران پردازد. در واقع، مسأله اصلی، بررسی و تحلیل تاریخی وضعیت برنامه های آموزشی از حیث مهارت افزایی دانشجویان رشته تاریخ و اشتغال دانش آموختگان آن در مقاطع گوناگون تحصیلی از آغاز تا امروز است. به همین منظور، این اثر می کوشد، با نگاهی نقادانه به تاریخ فعالیت های آموزشی رشته تاریخ در ایران بنگرد و از

۱. در این باره در فصل های آینده سخن خواهیم گفت.

ضرورت بازنگری‌های هدفمند، واقع‌بینانه و مستمر برنامه‌ها و کارکردهای آموزشی آن متناسب با نیازهای کشور سخن براند.

ارزیابی تحلیلی کارنامه رشته تاریخ مستلزم پاسخ گفتن به این پرسش‌هاست که آیا متناسب با تغییر نسل‌ها و دوره‌ها، آموزش تاریخ در ایران از تحول کمی و کیفی لازم برخوردار شده است؟ آیا ظرفیت لازم برای توسعه و تقویت دانش تاریخ و کاربردی شدن آن فراهم آمده است؟ آیا نهادهای تاریخی لازم و گفتمان‌های علمی و آموزشی جدید در حوزه‌های گوناگون آموزش و تحقیق تاریخی شکل گرفته است؟ تدوین برنامه‌های آموزشی رشته تاریخ بر چه مبانی فکری و معرفتی استوار بوده است؟ موضوعات، محورها و جهت‌گیری اصلی در تدوین برنامه‌های آموزشی رشته تاریخ در ادوار گوناگون و در مقاطع و گرایش‌های گوناگون آن چیست؟ رابطه علم و مهارت در برنامه‌های آموزشی رشته تاریخ از تاسیس دانشگاه تهران تاکنون در مقاطع و گرایش‌های گوناگون آن را چگونه باید ارزیابی کرد؟ دانش‌آموختگان تاریخ از چه قابلیت‌ها، مهارت‌ها و توانمندی‌های تخصصی و عملی برخوردارند و آیا آنان قادرند به نیازهای بازار کار پاسخ دهند؟ ویژگی‌های بازار تقاضا در رشته تاریخ چیست؟ به منظور بهبود و ارتقای سطح مهارت‌های دانشجویان در برنامه‌های آموزشی رشته تاریخ در مقاطع گوناگون و تسهیل اشتغال دانش‌آموختگانش چه باید کرد؟

بدیهی است که نمی‌توان به همه این پرسش‌ها پاسخ گفت، زیرا این کتاب در اصل یک طرح مساله است برای تأمل بیشتر درباره رشته تاریخ و همه قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و نیز کاستی‌ها و ناکارآمدی‌هایش. پهنه زمانی و موضوعی پژوهش چنان گسترده است که نمی‌توان به همه ابعاد و لایه‌های پیچیده آن پرداخت. لذا نویسنده در بسیاری مواقع ناگزیر به کلی‌گویی پرداخته و بحث‌هایش مدام به این سو و آن سورفته است، لذا گاه